



دانشگاه علوم پزشکی تهران

دانشکده پرستاری و مامایی

عنوان:

ارزشیابی برنامه هیات علمی بالینی مامایی بر اساس الگوی

سیپ-یک مطالعه ترکیبی

پایان نامه برای دریافت درجه دکتری تخصصی PhD

در بهداشت باروری

نگارنده:

منیره طوسی

اساتید راهنما:

دکتر مهرناز گرانمایه

دکتر مریم مدرس

استاد مشاور:

دکتر میترا امینی

۱۴۰۰

چکیده:

مقدمه: برنامه هیات علمی بالینی مامایی برنامه‌ای است که در آن اعضای هیات علمی مامایی، ضمن حضور (استقرار ۲۴ ساعته در محیط‌های بالینی مامایی در سه نوبت صبح و عصر و شب) در مراکز آموزشی درمانی، به آموزش بالینی دانشجویان و توانمندسازی دانشجویان در زمینه‌های مراقبتی-آموزشی-پژوهشی مبادرت می‌ورزند.

ارزشیابی یکی از مؤلفه‌های اساسی هر نظام آموزشی است که می‌تواند اطلاعات لازم را در اختیار برنامه‌ریزان برنامه قرار دهد و به بهبود کمی و کیفی نظام آموزشی کمک نماید. ارزشیابی زمانی قادر است، اطلاعات معتبر و واقعی را ارائه دهد که به صورت سیستمی اجرا گردد. یکی از الگوهایی که قادر است نظام آموزشی را به طور نظام‌مند مورد ارزشیابی قرار دهد، الگوی ارزشیابی سیپ است. این پژوهش تلاش می‌نماید تا با بررسی ضرورت ایجاد برنامه هیات علمی بالینی مامایی و ارزشیابی کیفیت آن بر اساس الگوی سیپ به ارائه دیدگاهی جامع در مورد برنامه هیات علمی بالینی مامایی و جایگاه آن در جامعه تأکید نموده و با ترسیم کیفیت این برنامه به بهبود کمی و کیفی آن کمک نماید؛ بنابراین مطالعه حاضر باهدف ارزشیابی برنامه هیات علمی بالینی مامایی بر اساس الگوی سیپ انجام شد.

روش پژوهش: این مطالعه با روش‌شناسی ترکیبی- همزمان انجام گرفته است. در مرحله اول پژوهش، پژوهشگر جهت شناخت ارزشیابی آموزشی و ابزارهای موجود، یک مطالعه مروری انجام داد. مرحله بعدی جهت ارزشیابی برنامه هیات علمی بالینی مامایی، چهار پرسشنامه (دانشجو، فارغ‌التحصیل، استاد، مدیر گروه) طراحی و روان‌سنجی گردید. ساخت ابزارها به روش قیاسی انجام گرفت که مراحل روان‌سنجی ابزارها شامل روایی محتوا، صوری، سازه (تحلیل عاملی تأییدی) و پایایی (همسانی درونی، آزمون- باز آزمون و پایایی ترکیبی) بوده است. در مرحله بعد انجام مطالعه (کمی - کیفی) به صورت همزمان صورت گرفت که جمع‌آوری داده‌های کمی به روش سرشماری و با استفاده از پرسشنامه‌های معتبر و پایا و به شیوه توصیفی-مقطعی صورت گرفت که جامعه آماری بخش کمی مطالعه از دانشجویان، فارغ‌التحصیلان، اساتید و برخی مسئولین مرتبط با برنامه آموزشی تشکیل گردیده بود. مرحله کیفی مطالعه نیز به صورت همزمان با مرحله کمی مطالعه انجام گرفت که در این مرحله از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته به صورت انفرادی با فارغ‌التحصیلان، اساتید، مدیران و متخصصین برنامه در سطح وزارتخانه و همچنین جلسات بحث در گروه متمرکز با دانشجویان مامایی به منظور شناسایی بهتر مشکلات زمینه‌ای برنامه استفاده گردید. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های کیفی به شیوه تحلیل محتوای جهت‌دار و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA10 و همچنین یافته‌های کمی حاصل از پرسشنامه‌ها نیز از طریق آزمون‌های توصیفی-استنباطی و با نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در طی مرحله ابزارسازی، چهار پرسشنامه برای هر یک از گروه‌های (دانشجویان، فارغ‌التحصیلان، اساتید و مدیر گروه) به‌طور اختصاصی تهیه گردید. نتایج بخش کمی مطالعه نشان داد که از دیدگاه کلیه شرکت‌کنندگان (دانشجویان، اساتید، فارغ‌التحصیلان و مدیران) زمینه برنامه هیات علمی بالینی مامایی در سطح مطلوب، ولی درون داد، فرآیند و برون داد برنامه، در سطح نسبتاً مطلوب ارزشیابی گردیده است. همچنین نتایج حاصل از پرسشنامه رضایتمندی فارغ‌التحصیلان نشان داد که حدود ۶۲ درصد فارغ‌التحصیلان از کیفیت آموزش مامایی که طی دوره ۴ ساله دریافت نموده‌اند راضی بودند. ۶۱ درصد از فارغ‌التحصیلان ادعا کردند که مباحث دروس نظری با تجارب بالینی موردنیاز آن‌ها به‌خوبی ادغام گردیده است. همچنین از تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی که با روش تحلیل محتوای جهت‌دار انجام گردید، درنهایت در مرحله کدگذاری باز ۱۲۵۰ کد اولیه استخراج گردید، که در ادغام داده‌ها بر اساس شباهت‌های کدهای اولیه ۱۴۹ زیر طبقه فرعی و با ادغام زیر طبقات فرعی مشابه ۶۹ زیر طبقه اصلی و درنهایت ۱۹ طبقه اصلی در ۴ درون‌مایه الگوی سیپ تبیین گردید. نتایج تلفیقی مطالعه نیز نشان داد که هر چهار حیطه (زمینه، درون داد، فرآیند و برون داد) برنامه هیات علمی بالینی مامایی دارای مشکلاتی است که نیاز به بررسی و ارتقاء برنامه را ضروری می‌سازد.

نتیجه‌گیری: نتایج بخش کمی مطالعه نشان داد که علی‌رغم مطلوب بودن زمینه برنامه هیات علمی بالینی ولی همچنان درون‌داد، فرآیند، برون‌داد برنامه در سطح نسبتاً مطلوبی قرار داشته است و با توجه به نتایج ارزشیابی در بخش کمی و کیفی مطالعه جهت ارتقاء برنامه تمهیداتی از جمله، برنامه‌ریزی مناسب جهت آموزش مؤثر در طی روند کسب مهارت‌های بالینی توصیه می‌شود. در این راستا جذب و به‌کارگیری استادان بالینی مجرب، تلاش در جهت بهسازی محیط آموزشی، توسعه همکاری بین مدرسین و بخش‌های بالینی و تلاش در جهت بهسازی محیط آموزشی می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد. توجه به بهبود امکانات و تجهیزات، هماهنگی و تناسب بین محتوای آموزش تئوری و مباحث بالینی نیز از جمله مواردی است که به بهبود آموزش بالینی منجر می‌گردد. پس از بررسی نتایج با توجه به اهمیت رشته مامایی در سلامت جامعه به نظر می‌رسد که بازنگری و ارتقاء برنامه آموزشی هیات علمی بالینی مامایی مخصوصاً استفاده از روش‌های نوین آموزشی و ارزشیابی نظام‌مند دانشجویان جهت توانمندسازی دانش‌آموختگان رشته مامایی ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی، الگوی ارزشیابی سیپ، برنامه هیات علمی بالینی مامایی، دانشجو،

مامایی



Tehran University of Medical Sciences

School of Nursing and Midwifery

Title:

**Evaluation of the midwifery clinical faculty program based on
CIPP- model: A Mixed Method Study**

**A dissertation submitted as partial fulfillment of the requirements for Doctor of
Philosophy (PhD) Degree"**

In Reproductive Health

By:

Monireh Toosi

Supervisors:

Dr. Mehrnaz Geranmayeh

Dr. Maryam Modarres

Consultant:

Dr. Mitra Amini

2021

Abstract:

Background: Evaluation is one of the most fundamental concerns in any educational system, and it can provide the required information for those involved in the program and helps improve the system qualitatively and quantitatively. Evaluation can provide credible and accurate information if it is implemented systemically. CIPP evaluation model is one of the models that can evaluate the educational system systemically. This study aimed to present a comprehensible approach towards the midwifery clinical faculty program and highlight its position in society by examining the necessity of creating such a program and evaluating its quality based on the CIPP model. As a result, it attempted to help improve the program quantitatively and qualitatively. Accordingly, this study's purpose was to evaluate the midwifery clinical faculty program based on the CIPP model.

Methods: This applied study used a mixed methodology. In the first phase of the research, the researcher conducted a review study to identify the educational evaluation and available tools. In the next stage, four questionnaires (students, professors, graduates, and administrators) were designed and psychometric to evaluate the midwifery clinical faculty program. The tools were constructed by the deductive method, in which the psychometric steps of the tools included face validity, content validity, construct validity (confirmatory factor analysis), and reliability (internal consistency, test-retest, and combined reliability). The quantitative data were collected through census and credible and reliable questionnaires by the descriptive and cross-sectional methods. The population of the quantitative part of the study included students, graduates, professors, and other officials involved in the program. In the qualitative part of the study, semi-structured interviews were carried out with graduates, professors, directors, and experts at the ministerial level. Moreover, discussion sessions were held with focused groups engaging midwifery students to recognize the program's underlying problems. The findings of the qualitative interviews were analyzed by directed content analysis and MAXQDA10. The quantitative findings obtained from the questionnaires were analyzed by descriptive-inferential tests and SPSS.

Results: The quantitative part of the study showed that the participants evaluated the midwifery clinical faculty program as optimal; however, they evaluated the input, process, and output of the program as relatively optimal. Also, the graduates' satisfaction questionnaire results showed that about 62 percent of the graduates were satisfied with the quality of the midwifery education they had received in their four years of study. Sixty-one percent of the graduates claimed that the content of the theoretical courses coalesced with their needed clinical experiences. Moreover, 1250 primary codes were extracted by the directed content analysis of the quantitative data. Next, 149 secondary subclasses were obtained in data integration based on the similarities of the primary codes and 68 main subclasses were obtained in the integration of similar secondary subclasses. Ultimately, 19 main classes were explained in four CIPP model themes (background, input, process, and output).

Conclusion: Proper planning is recommended for effective education in learning clinical skills. In this regard, employing and using skilled clinical professors, improving the educational environment, and developing cooperation between professors and clinical sectors could be very influential. Additionally, improving equipment and facilities and harmonizing theoretical educational and clinical concerns leads to clinical training improvement. According to the results and given the importance of Midwifery in public health, it appears that it is necessary to review and update the educational program of midwifery clinical faculty program, particularly by using new educational methods and systemic evaluation of students, in order to empower midwifery graduates

Keywords: Evaluation, CIPP- model evaluation, midwifery clinical faculty program, students, Midwifery